

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

برگرفته از: نیو ایسترن اوتلوک
نویسنده: ولادیمیر اودینتسف
مترجم: م. قربانی
۱۷ اکتوبر ۲۰۲۲

اروپا تولید صنعتی خود را به کجا باید ببرد؟



بحران نفت در سال‌های ۱۹۷۰ میلادی، آسیب‌پذیری جهان، به ویژه اروپا، را نسبت به واردات سوخت فسیلی از خارج به نمایش گذاشت. اروپا تنها طی یک دهه کم کم آنرا مدیریت کرد و به نوعی با رفتن به سوی ساخت کارخانه‌های برق اتومی با تکنولوژی پیشرفته به تولید انرژی خود پرداخت.

با توجه به تأثیرات مخرب بحران انرژی سال‌های ۱۹۷۰ میلادی بر اقتصادهای متکی به واردات انرژی در اروپا، جای شگفتی نیست که ایالات متحده عمدتاً راه جدائی سیاست خارجی از رقیب اقتصادی خود، اروپا، را انتخاب کرد. امروز کسی، به ویژه در اروپا، به سرشت دست‌ساز بحران اقتصادی امروز اروپا تردید نمی‌کند. در نتیجه، جنگ تعصب‌آمیز و افراطی علیه مسکو که از سوی بوروکرات‌های اتحادیه اروپائی، متحدین نزدیک امریکا و تحت هدایت واشینگتن به راه افتاده است به بینوائی جمعی، خودکشی اقتصادی و تخریب اروپا منجر می‌شود.

هر چند، به گزارش وال استریت ژورنال، پی‌آمدهای تحریکات واشینگتن و ایجاد ممانعت در انتقال انرژی روسیه به بازار اروپا، امریکا را نیز می‌تواند با بحران گاز روبه‌رو سازد. سطح ذخایر گازی (امریکا) از حد معمول پائین‌تر

است و زمستان می‌تواند شاهد افزایش بهای گاز باشد. بنا بر این، ادعای پرحرارت دوستی با اروپا تا سرمای زمستان بیش‌تر دوام نخواهد داشت.

«تام فاندن‌دریشه» (Tom Vandendriessche)، عضو پارلمان اروپا در توصیف وضعیت فلاکت‌بار در بلجیم می‌گوید که میانگین هزینه انرژی در خانواده‌های فلاندری اکنون ۹۰۰۰ یورو است، تورم بی‌سابقه، پس‌انداز و قدرت خرید مردم را نابود می‌کند. چنان‌که کنفدراسیون اتحادیه کارگران گزارش کرده است، هزینه سالانه گرمایش و برق اکنون در بیش‌تر کشورهای اروپایی از مزد ماهانه کارگران کم‌درآمد بیش‌تر است. ولی این تنها نوک کوه یخ است، پی‌آمدهای بحران انرژی بسیار شدیدتر از این‌هاست. تولید در همه جا متوقف شده است، بیکاری در حال افزایش است، صنعت در حال ترک اروپاست و احتمالاً هرگز به اروپا باز نمی‌گردد.

صنعت فولاد اروپا، ستون فقرات تولید صنعتی اکثر کالاها، مورد تهدید بحران انرژی قرار گرفته است. بهای بالای انرژی به ویژه صنعت را گران و غیرقابل رقابت ساخته است، و کارخانه‌ها اعلام تعطیلی یا نیمه تعطیلی کرده اند. نوسانات شدید بهای انرژی و مشکلات مداوم در زنجیره عرضه خبر از آغاز دوران صنعت‌زدایی اروپا می‌دهد. صنایع دیگر وابسته به انرژی در اروپا که به عنوان فعالیت اصلی‌شان خدمت‌رسانی می‌کنند، مانند صنایع کیمیایی، اتومبیل، سیمان و بسیاری صنایع دیگر، با قیمت سرسام‌آور گاز طبیعی مواجه اند. در چنین شرایط دشوار و نومیدکننده‌ای صنایع اروپایی مجدانه در حال جست و جوی محل دیگری برای جابه‌جایی تولیدشان هستند. و با این رویکرد، آن‌ها در درجه نخست به کشورهای جذب می‌شوند که وابستگی به واردات انرژی نداشته باشند، از ثبات بیش‌تری در بهای انرژی برخوردار باشند و حمایت دولتی قدرتمندی داشته باشند.

برای فریب صنایع اروپایی و به تبع آن تضعیف بیش‌تر اتحادیه اروپایی (که از آغاز هدف واشینگتن برای ایجاد بحران انرژی در اروپا بود)، در واقع این امریکاست که بتازگی با شدت بیش‌تری به جذب صنایع اروپا به خاک خود فعال شده است. فراموش نشود که تنها با شعار نمی‌توان به افزایش درآمد مالیاتی در نظام بودجه امریکا رسید، درآمد جامعه بحران‌زده با کمبود بودجه چندین میلیارد دلاری را افزایش داد، بلکه باید هزاران شغل جدید در امریکا ایجاد کرد، و لذا به حل تشنج‌های اجتماعی در داخل امریکا پرداخت.

و اکنون بر اساس گزارش وال استریت ژورنال، احمد الحوشی، مدیر اجرایی شرکت کیمیایی OCI NV مستقر در آمستردام اعلام کرد برای «توسعه کارخانه» در ماه سپتامبر در تگزاس به تولید آمونیاک می‌پردازد. شرکت جواهرسازی دنمارکی، پاندورا و شرکت المانی فولکس واگن نیز اعلام کردند به «توسعه» در ایالات متحده می‌پردازند، هم‌زمان شرکت تسلا برنامه‌های تولید باطری در المان را متوقف کرده و آن‌را با استفاده از قانون کاهش تورم که بایدن در ماه اگست امضاء کرد، در خاک ایالات متحده گسترش می‌دهد. بسیاری از شرکت‌های صنعتی اروپایی از کشورهای مختلف اتحادیه اروپایی قصد مشابهی دارند.

تحلیلگران و سرمایه‌گذاران معتقدند که اروپا هنوز همراه خوبی برای پیشرفت تکنولوژی‌های تولید صنعتی محسوب می‌شود و می‌تواند نیروی کار ماهر را به رخ بکشد. لذا این فقط امریکا نیست که علاقه مند به جابه‌جایی تولید اروپا به خاک خود است. به ویژه اکنون کشورهای سرشار از انرژی در خاورمیانه و همچنین افریقا و امریکای لاتین وجود دارند که هنوز دارای نیروی کار ارزان هستند.

کشورهای مشترک‌المنافع جنوب، به خصوص آن‌ها که در ماورای قفقاز و آسیای مرکزی قرار دارند، نیز روی «جابه‌جایی» شرکت‌های اروپایی حساب باز کرده اند و در هفته‌های اخیر علاقه مندی خود را با «دوری جستن از

روسیه» نشان داده اند تا از تحریم‌های اروپا در امان بمانند و در این «باز توزیع» اقتصادی تولید اروپایی جذاب‌تر جلوه کنند.

با اعتراف امریکا به این‌که تولید کنندگان نفت شیل ایالات متحده قادر به نجات اروپا در سال‌های پیش رو نیستند و این‌که امریکا با همان کابوسی روبه‌روست که اروپا، اقتصاد اتحادیه اروپایی، چنان‌که بلومبرگ گزارش می‌دهد، فروپاشی اقتصادی و انرژی اتحادیه اروپایی بروشنی ادامه‌دار خواهد بود و مشکل زدائی اتحادیه اروپایی هرچه بیشتر عیان خواهد شد.

انگلستان که از پیش از نقشه پنهانی امریکا برای اضمحلال اتحادیه اروپایی مطلع بود، از اتحادیه اروپایی جدا شد. شماری از کشورهای جامعه اروپا نیز به فکر دنبال کردن همان راه هستند تا خود را از گزند دستورات آشکار امریکائی-اروپایی مقاماتی مانند اوسولا فون در لاین، ژوزف بورل، و چارلز میشل که تنها به منافع شخصی خود و هژمونی امریکا می‌اندیشند و از منافع اروپا غافل اند، مصون بمانند. در عین حال، با صنعت زدائی قریب‌الوقوع اروپا و انتقال بسیاری از صنایع به خارج از اتحادیه اروپایی، شمار فراوانی از رهبران رسمی اروپا و سیاست‌مداران نخبه کنونی این‌را راهی برای حفظ موقعیت ممتاز خود می‌بینند. در نتیجه، عقوبت ناگزیر فعالیت‌های آشکارا ضد اروپایی‌شان در برابر خشم توده‌ها می‌تواند آن‌ها را ضایع کند. به خصوص با مهاجرت جمعی اجباری نیروهای ضد دولتی به کشورهای دیگر، متعاقب «انتقال» توان صنعتی اروپا. لذا، تداوم و تشدید بیش‌تر سیاست‌های تحریم ضد روسی از سوی این رهبران پیرو سیاست‌های امریکائی در اروپا، تنها به وخامت اوضاع در اروپا کمک می‌کند. علی‌رغم این واقعیت، به نظر بسیاری از تحلیلگران و حتی اعضای پارلمان اروپا، سیاست تحکیم همکاری با روسیه، به جای دنباله‌روی از نقشه‌های تحریک‌آمیز و مخرب واشینگتن است که احتمال برون رفت اروپا را از بحران اقتصادی و انرژی عمیقی که در آن فرو رفته است، فراهم می‌کند.